

بهداشت و درمان در سفرنامه پولاک*

محمد جاودان ۱

چکیده

کتاب «سفرنامه پولاک» آگاهی های فراوانی درباره ی بهداشت و درمان در زمان قاجاریه ارائه داده است که از دو ویژگی خاص، نویسنده ی پزشک و اطلاعات مبسوط و گسترده در زمینه ی بهداشت و درمان برخوردار بوده است.

اما با این همه؛ پراکندگی و گستردگی اطلاعات مربوط به بهداشت و درمان در کتاب حاضر از یک سوی و عدم دسته بندی این اطلاعات از سوی دیگر، ما را بر آن داشت تا مطالب مربوط به بهداشت و درمان در این کتاب را به صورتی خلاصه، دسته بندی شده و منظم در چهار بخش: بهداشت فردی، بهداشت عمومی و نظیف اماکن عمومی، وضعیت طبابت و درمان و اهمیت حکومت به بهداشت و درمان و آموزش طب؛ ارائه گردید.

کلیدواژه ها: پولاک، بهداشت، درمان، طب، معالجه.



مقدمه

بیان مسئله

در تعالیم اسلامی در باب بهداشت و تغذیه، اصولی که سلامتی انسان را تأمین می کند، رعایت شده است. از نظر اسلام رعایت مسائل بهداشتی واجب است، زیرا در اسلام حفظ جان واجب است و اگر عدم رعایت مسائل بهداشتی سبب به خطر افتادن جان انسان ها شود در این صورت رعایت اصول و مسائل بهداشتی لازم است؛ زیرا مقدمه واجب نیز واجب است و احتمال دارد یکی از مصادیق آیه: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره ۱۹۵) باشد. چنان که علم پزشکی از نظر اسلام اهمیت زیادی دارد و علم اُبدان را یکی از علوم مهم می داند و فراگرفتن علم طب برای برطرف کردن نیاز جامعه لازم و بعضی اوقات واجب است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «معالجه کنید که خداوند هیچ مرضی را نفرستاده مگر اینکه دواى آن را هم قرار داده جز مرگ که دوا ندارد.» (پابنده، ۱۳۸۲: ۳۱۴؛ مستغفری، ۱۳۸۱: ۱/ ۶۱؛ دمیرچی، ۱۳۸۹: ۸۰) از این رو بهداشت و نظافت و درمان که از توصیه های جدی اسلام است؛ همواره باید یکی از دغدغه های جدی هر مسلمان و بلکه هر اندیشمندی باشد.

بی تردید مطالعه ی آثار گذشتگان در این مورد، افزون بر آشنایی با شرایط و اوضاع و احوال و مناسبات و نواقص بهداشتی- درمانی در دوران های پیشین، سبب می شود نقاط قوت، چالش ها و نواقص، فرصت ها و همچنین تهدیدها شناخته شود و در مسیر رفع نواقص و بهره وری سودمند حرکت گردد. این امر به ویژه زمانی مفیدتر خواهد بود که از زبان یک مستشرق که خود پزشک و سر رشته ی امور بهداشتی دارد و با نکته بینی و تیزبینی خاصی امور بهداشت و درمان را کاویده است؛ همراه باشد.

دکتر پولاک که در سال ۱۲۷۲ قمری پس از مرگ دکتر کلوک و پیش از استخدام دکتر تولوزان طبیب مخصوص ناصرالدین شاه بود و پس از ده سال اقامت در ایران به وطن خود بازگشت، کتابی درباره ی ایران نوشت به نام «ایران، سرزمین و مردم آن» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱/۵) این اثر در سال ۱۳۶۱ خورشیدی بانام «سفرنامه پولاک» و با عنوان فرعی «ایران و ایرانیان» از سوی کیکاووس جهانداری به فارسی ترجمه و توسط انتشارات خوارزمی چاپ و منتشر شده است.

ویژگی این سفرنامه در این باره از آن روست که از یک سوی نویسنده ی آن، خود یک پزشک حاذق و دانشمند است و به همین دلیل بیش از هر کسی شایستگی آن را دارد که درباره ی وضعیت پزشکی ایران در دوره ی قاجار سخن براند؛ از سوی دیگر در کمتر منبعی از منابع تاریخی دوره ی قاجار درباره ی بهداشت و وضعیت پزشکی ایران در سده نوزدهم میلادی سخن به میان آمده است درحالی که در «سفرنامه پولاک» آگاهی های



فراوانی درباره‌ی موضوع یادشده ارائه شده است و از این جهت کتاب پولاک اثری بی‌همتا و برای مورخان دوره قاجار حائز اهمیت زیادی است.

در این مقاله کوشیده شده تا با بهره‌گیری از کتاب مزبور، بهداشت و درمان در ایران را از منظر دکتر پولاک مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد؛ بنابراین پس از بیان اجمالی زندگی‌نامه‌ی وی، به بررسی کتاب ایشان در چهار بخش: بهداشت فردی، بهداشت عمومی و تنظیف اماکن عمومی، وضعیت طبابت و درمان و اهمیت حکومت به بهداشت و درمان و آموزش طب پرداخته خواهد شد؛ بنابراین سؤالات اصلی و فرعی بدین گونه مطرح شده‌اند:

سؤال اصلی: وضعیت بهداشت و درمان ایران در سفرنامه پولاک چگونه مطرح شده است؟

سؤالات فرعی: بهداشت فردی ایرانیان از دیدگاه پولاک چگونه است؟

بهداشت عمومی و تنظیف اماکن عمومی در سفرنامه پولاک چگونه توصیف شده است؟

پولاک وضعیت طبابت و درمان در ایران زمان خویش را چگونه ارزیابی و بیان کرده است؟

اهمیت حکومت به بهداشت و درمان و آموزش طب در سفرنامه پولاک به چه میزان بیان شده است؟

۱- زندگی‌نامه دکتر پولاک

(Jakob Edvard Polak) دکتر یاکوب ادوارد پولاک (زاده ۱۸۱۸ بوهم-در گذشته ۱۸۹۱ وین) فرزند یک خانواده بسیار فقیر یهودی بود. او تحصیلات خود را در رشته‌های پزشکی و مردم‌نگاری در دانشگاه‌های وین و پراگ به پایان رساند و در رشته پزشکی زنان تخصص گرفت. (هدایتی، ۱۳۸۱: ۱/۴۲) از نخستین معلمان نمساوی (قاجریه به کشور اتریش نمسه می‌گفتند) دارالفنون است که به سال ۱۸۵۱ م. به ایران آمد و ده سال به کار طبابت و تدریس اشتغال داشت. (پولاک، ۱۳۶۸: ۱/۵) دکتر پولاک در سال ۱۲۳۴ ه.ش پس از دکتر کلوله و قبل از استخدام دکتر طولوزان طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه بود و پس از ۱۰ سال اقامت در ایران به وطن خود بازگشت. او باتریت دانش آموزان دارالفنون و تألیف اولین کتب پزشکی مدرن نقشی کلیدی در معرفی پزشکی نوین به ایران ایفا کرد (همان).



انتخاب او توسط ناصرالدین شاه به سمت طبیب مخصوص خود (خورموجی، ۱۳۴۴: ۲ / ۱۶۰) سبب شد تا وی از شهرت فزون تری نسبت به دیگر معلمان هم طرازش بهره مند شود. نوشتن کتاب «ایران و ایرانیان» یا سفرنامه اش هم در پرآوازه گشتن او در ایران کمک شایانی به وی کرد.

۲- وضعیت بهداشت فردی و عمومی

۱-۲ بهداشت فردی

بهداشت فردی مشکل از روش ها و اصولی جهت پیشگیری از بروز انواع بیماری ها و پاکیزه نگه داشتن اعضای بدن است. ساده ترین کارها مانند شستشوی دست ها یا کل بدن، پاکیزگی مو و ناخن و رعایت اصول پاکیزگی لباس و پوشش های فردی می تواند سلامت یک فرد را تا حدود بسیار زیادی تأمین کند.

بنابراین چه از نگاشته های دکتر پولاک در این سفرنامه برمی آید، ایرانی برای بهداشت فردی و نظافت بدن اهمیت خاصی قائل است و البته نکته را باید افزود که آموزه های اسلامی نقش به سزایی در این مهم دارد زیرا که فرهنگ ایرانیان برگرفته از تعالیم اسلامی است که به صورتی مستقیم در زندگی آنان نمود پیدا کرده است.

دکتر پولاک نیز از این مسئله غافل نمانده و گفته است: «پس از قضای حاجت، ایرانی بدن خود را با دست چپ می شوید و سعی می کند که دست راستش آلوده نگردد و پاک بماند به همین منظور هرکس آفتابه ای با خود برمی دارد و یا حمل آن را به نوکر وامی گذارد. ... آب هم که برای غسل و وضو و هم برای خنک کردن و پاشیدن نمی توان از آن چشم پوشید، در هر خانه ی کوچک ایرانی وجود دارد» (پولاک، ۱۳۶۸: ۱/۵۷-۵۸).

وی در مورد تنظیف بدن می گوید: «حمام چنان با زندگی ایرانیان در ارتباط نزدیک است که او بدون حمام تصور آسایش ندارد، بنابراین برای ساختن و حفظ حمام، کمال مراقبت را دارد. ... حمام ایرانی بدن را به بهترین طرز تمیز می کند و در رفع خستگی و در مداوای دردهای مفاصل و رماتیسم کمک مؤثری می کند چرا که دلاک به غیر از چرک کردن، یعنی تمیز کردن بدن با کیسه زبر پشمی، آدم را مشت و مال می دهد و با قطعه ای سنگ آتش فشانی به نام سنگ پا، کف پاها را از پینه ها پاک می کند. در حمام موها را به وسیله حنا رنگ می کنند. زن ها و گاهی هم مرد ها به غیر از موی سر، دست ها و کف پاها و ناخن های خود را در حمام با حنا رنگ می کنند». (همان: ۱/۲۴۴-۲۴۷) بر پایه ی نوشته ی پولاک توجه به سلامتی و رعایت بهداشت در نظر ایرانی ها از اهمیت زیادی برخوردار است.



«هر ایرانی تحصیل کرده و تربیت شده‌ای به نگهداری بدن و حفظ سلامت خود دائماً توجه دارد. راحت و حرکت، خواب و بیداری، پوشاک، خوردن و نوشیدن یعنی «سته‌ی ضروریه» در ذهن وی طبق ضوابط دقیق و روابط علت و معلولی، رسوخ کرده است. هر نوع انحرافی از وظایف مقرر و طبیعی اعضای بدن مورد توجه خاص او قرار می‌گیرد» (همان: ۱/۳۱۲-۳۱۳).

وی همچنین می‌گوید: «هرچه ایرانی می‌خورد یا قبلاً فکر کرده که آیا گرمی سردی و رطوبت یا خشکی در مزاج ایجاد می‌کند؟ اعتقاد دارند که از آمیزش یک‌دست آن‌ها وضع طبیعی بدن و میزان اعتدال قوا پدید می‌آید» (همان: ۱/۴۲۲). افزون بر این موارد، سخنانی که در ذیل از پولاک نقل می‌شود حاکی از اهمیت ایرانی به سلامتی و نظافت فردی است.

پولاک بیان داشته:

– ایرانی‌ها برای لباس اهمیت زیاد قائل‌اند، بسیار دوست دارند که برازنده و تمیز لباس بپوشند (همان: ۱/۱۰۳).

– هیچ خان‌های در تهران پیدا نمی‌شود که حیاط نداشته باشد و هیچ حیاطی پیدا نمی‌شود که در آن باغچه‌ای و درختان بوته ماندنی نباشد (همان: ۱/۷۵).

– هر جا سروکله حکیمی پیدا می‌شود و حتی هنگامی که سوار بر الاغ در حال عبور است، از اطراف و اکناف دست‌ها را به‌سوی او دراز می‌کنند تا نبضشان را بگیرد (همان: ۱/۴۲۵).

اما با همه‌ی این امتیازات مثبت، مصرف مخدرها از موارد منفی در بهداشت فردی ایرانیان است که دکتر پولاک آن را از قلم نینداخته و در این باره می‌گوید: «مصرف تریاک عمومیت دارد و منعی برای آن قائل نشده‌اند و مانند حشیش سرشکستگی برای کسی ندارد و قبول عامه یافته است. تقریباً هر ایرانی که بتواند از عهده‌ی مخارج آن برآید حداقل در روز یک‌بار حب تریاک می‌خورد» (همان: ۱/۴۳۳-۴۳۴). درجایی دیگر از این فصل درباره‌ی «خاک» به‌عنوان یکی از مخدرهایی که در ایران رواج دارد، نوشته شده است: «خاک را نیز گاه به‌عنوان پرهیز و گاه برای وقت‌گذرانی می‌خورند که از بعضی جهات در شمار مخدرات محسوب می‌شود. مخصوصاً زنان ایرانی و بیشتر در دو ماه آخر حاملگی خاک را در دهان می‌گذارند تا آهسته در آب دهان حل و فرو داده شود... از مردانی که می‌شناختم تنها معیرالممالک (وزیر مالیه) بود که به خوردن خاک اعتیاد داشت. وی روزانه حدود چندین لوت (واحد وزن در حدود پانزده گرم) خاک می‌خورد. نکته جالب توجه آن است که بعضی از کودکان چه دختر و چه پسر، شوق مفرطی به خاک از هر نوع دارند. اعم از گل و ملاط، آن‌ها خاک را از دیوار می‌تراشند و



با ولع می بلعد... اینان همچنان پایبند عادت خود می مانند و در عنفوان شباب می میرند. ... دکتر هنجه هم که موارد مکرری از این بیماری را در رشت مشاهده کرده است به حق چنین اظهار نظر می کند که مبتلایان به خاک خوری موجوداتی از دست رفته اند که به نجات آنان امیدی نیست» (همان: ۱/۴۵۰-۴۵۱).

دکتر پولاک همچنین کشیدن قلیان را برای بیش تر ایرانیان غیر قابل اجتناب دانسته که گاهی افراط در آن باعث ایجاد نزله قصبه الریه و امفیزم می شود (همان: ۱/۴۴۰-۴۴۱).

۲-۲- بهداشت عمومی و نظیف اماکن عمومی

بهداشت عمومی علم و هنر پیشگیری از بیماری ها و ارتقای سلامت و افزایش طول عمر بشر با استفاده از اقدامات سازمان دهی شده مردمی و سازمان های دولتی و خصوصی است که بر اساس آموزه های دینی بر آن توجه و تأکید فراوانی شده است.

برای اطلاع از وضعیت نظافت عمومی اماکن و بهداشت عمومی ایران و به ویژه تهران در دوره ی قاجار، سخنان خود دکتر پولاک گویا و صریح هست. او در تشریح وضعیت شهر تهران می نویسد: «حصارهای شهر را چنان آب برده که می شود به راحتی از حصار گذشت. ... برج ها نیمه ویران اند، ... خندق از بقایای زباله های شهر و خاک و خل نیمه پر است» (همان: ۱/۶۲). «محلای چاله میدان، فقیرترین و غیر بهداشتی ترین محله هاست. ... کوچه ها تنگ و بی نظم و بن بست است. ... آب شهر از قنات ها تأمین می شود. در شهر آب در وسط خیابان جریان دارد که گاهی روباز و گاهی نیمه پوشیده است» (همان: ۱/۶۳). او در جایی دیگر بیان می دارد که: «برای به دست آوردن خاک و گاه نیز برای تعبیه گند آبرو (فاضلاب) اغلب نزدیک خانه چاه می کنند و اغلب هم زحمت بستن روی آن ها را به خود نمی دهند» (همان: ۱/۶۴).

این سخن دکتر پولاک نیز پرده از وضعیت نظافت کوچه ها و معابر برمی دارد: «برای این که بام ها را از سنگینی بار برف رها سازند، برف ها را با جدیت پارو می کنند و به کوچه ها می ریزند. برف در کوچه به صورت کوه درمی آید تا این که فصل هوای معتدل شود و ذوب گردند و کوچه ها از قید برف های انباشته رها شوند و عبور از آن ها میسر گردد. در مورد بار آن ها مداوم نیز اتفاق می افتد که یک دیوار چینه ای به کوچه بریزد، در چنین صورتی دیگر خاک و آوار را جمع نمی کنند تا فصل خشکی برسد و از آن به عنوان مصالح ساختمانی و تجدید بنای دیوار استفاده کنند» (همان: ۱/۶۶). سخنان این نویسنده ی غربی درباره ی تهران زمان ناصرالدین شاه به خوبی روشن می سازد که باکمال تأسف وضعیت بهداشت عمومی در این شهر به عنوان پایتخت کشور پهناور ایران به ویژه در برخی محله ها، چنان در سطح پایین بوده که گویی اطراف محله ها و خیابان ها و معابر را زباله احاطه کرده است. سخنان دکتر پولاک مؤید حرف ماست در آنجا که می نویسد: «برای نظافت خیابان ها هیچ کاری انجام نمی شود و آن را به عهده و دلخواه مزرعه داران



گذاشته‌اند که زباله‌های شهر را به‌عنوان کود ببرند و مصرف کنند. دل و روده‌ی حیواناتی که قصاب‌ها کشتار کرده‌اند و باقی مانده‌ی غذا و لاشه‌ی جانوران در کوچه‌ها ره‌اشده‌اند. ... تپه‌هایی از زباله در شهر هست که کثافت قرن‌های بسیاری را در خود انباشته است. بوی عفونت وحشتناک از این همه مواد گندیده و زباله، تهران را در فصل تابستان طاقت‌فرسا و غیرقابل تحمل می‌سازد و تب‌های کشنده‌ای را ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که وبا به طرزی وحشتناک، کشتار کند» (همان: ۶۵/۱).

دکتر پولاک در مورد وضعیت اسف‌بار تهران این سخنان را هم دارد که: «چون از تمهیدات بهداشتی برای تمیز نگه‌داشتن شهر تهران کلاً اثری نمی‌توان جست، در تابستان خیابان‌ها چندان کثیف می‌شود و هوا چندان مسموم و گرم و خفه‌کننده می‌شود و آب حوض‌ها آن‌قدر متعفن و پشه‌ها و مگس‌ها چنان مزاحم‌اند که رفتن به ییلاق امری لازم و غیرقابل اجتناب می‌شود» (همان: ۱/۷۸).

این سخنان که حکایت از وضعیت ناهنجار بهداشتی و نظافت عمومی شهر تهران دوران قاجاریه می‌کنند، این احساس را در خواننده به وجود می‌آورند که اگر شهر تهران به‌عنوان پایتخت مملکت فاقد نظام بهداشتی و سازمانی برای نظافت عمومی شهر و رفتگری خیابان‌های آن بوده است، به حتم شهرهای اطراف و اصلاً دیگر شهرهای ایران به لزوم بین از نبود بهداشت، رنج می‌برده‌اند و طبیعی است که در چنین شرایطی بیماری‌های خطرناک و فراگیر همچون وبا مردم را به ستوه می‌آورده است. بازهم در این زمینه به سخن خود پولاک متمسک می‌شویم. او می‌گوید: «سیمای شهرهای بزرگ ایران مانند تبریز، قزوین، همدان، قم، کاشان و غیره نیز چندان تفاوتی با تهران ندارد. همه‌جا همان سبک ساختمانی، همان خرابه‌ها، همان پلیدی در کوچه‌ها و همان کشش و کوشش و زندگی در بازارها و کاروانسراها» (همان: ۷۳-۷۴).

اما امروزه وضعیت کلیه‌ی شهرهای کشور و حتی برخی روستاها دارای سیستم منظمی جهت نظافت و بهداشت عمومی هستند که اقدامات لازم را جهت تمیزی خیابان‌ها و منظره‌های شهرها و روستاها پدید آورده‌اند.

باوجوداین همه معضلاتی که ذکر شد دکتر پولاک بازارهای ایران را نظیف برشمرده و می‌گوید: «بازارهای مشرق زمین غالباً مسقف است تا مالکان و مشتریان را از حرارت آفتاب و هواهای نامطبوع و باران و برف محافظت نمایند» (همان: ۱/۶۶). اهتمام به نظافت حمام‌ها و اسباب و لوازم آشپزخانه نیز از مواردی است که افزون بر نظافت بازارها، آدمی را کمی امیدوار می‌سازد. در این باره دکتر پولاک می‌گوید: «اسباب و لوازم آشپزخانه همه از مس است؛ اما آن‌ها را به‌خوبی سفید کرده‌اند به‌طوری که موارد مسمومیت ناشی از مس خیلی به‌ندرت دیده می‌شود و این در صورتی است که وسایل آشپزخانه را پس از مصرف به‌اندازه کافی تمیز نکرده باشند» (همان: ۱/۹۴).





۳- وضعیت طبابت و درمان

۳-۱- وضعیت طبابت

«به طبیب‌های ایرانی حکیم هم می‌گویند. ... در بین افراد متعددی (چه زن و چه مرد) که به کار طبابت اشتغال دارند، فقط تعداد بسیار کمی درس تخصصی در این رشته را خوانده‌اند و همه معلومات داروشناسی این افراد، اغلب محدود است به این که اسم چند داروی عطاری را بدانند. از تحقیقات و مطالعه‌ی گیاهان و مشخصات و قوت و ضعف آن‌ها اصلاً صحبتی نیست. خلاصه این که طب امروزی ایران، منحصر به ضوابط و معیارهای روزگاران کهن است بی آن که چیزی به آن دانش قدیمی افزوده شده باشد» (همان: ۱/۳۹۶).

بنابر گفته‌ی دکتر پولاک «ایرانیان توقع دارند که هر آدم باسوادی از علم طب نیز مطلع باشد و به همین جهت در تمام کتابخانه‌های کوچک خانگی کتب طبّی نیز وجود دارد. این‌ها در مورد بیماری اهل خانه و اقوام و دوستان اظهارنظر می‌کنند و به معالجه می‌پردازند» (همان: ۱/۳۹۸).

در سفرنامه دکتر پولاک آمده است که: «به‌جز اطباء سنتی، جراحان هم در ایران هستند که کار معالجه‌ی دمل‌ها و جا انداختن مفاصل، تراشیدن غدد کوچک، جا انداختن ملاذ، بند آوردن خون و بخیه زدن زخم‌ها را انجام می‌دهند که البته انجام دادن زخم‌ها را به‌صورت نامعقولی انجام می‌دهند بدین صورت که روی زخم را مدتی باز می‌گذارند و عقیده دارند که فرد زخمی نباید در سه روز اول آب و به‌خصوص آب سرد بنوشد و حتی نمی‌گذارند زخم با آب تماس بیابد و هیچ گاه آن را نمی‌شویند. ... من با این گمان باطل مبارزه کردم و بخصوص زخم را شستشو دادم و دیدم که کم‌کم جراحان بومی این روش نادرست خود را کنار نهادند» (همان: ۱/۴۰۰).

سومین قشری که علاوه بر اطباء سنتی و جراحان به معالجه‌ی بیماران می‌پردازند؛ دلاکان هستند «که به‌جز مشتم‌ومال دادن مشتریان حمام، زالو می‌اندازند و حجامت انجام می‌دهند» (همان: ۱/۴۰۱).

دکتر پولاک قشر چهارم معالجه کنندگان را شکسته‌بندها می‌داند که «کار شکسته‌بندی و جا انداختن اعضاء و جوارح دررفته را انجام می‌دهند ... همیشه تشخیص شکستگی می‌دهند و حداقل دیگر به کمتر از ضربه خوردگی راضی نمی‌شوند. ... هرچه بیمار در حین معالجه بیشتر درد بکشد مزد آن‌ها هم بیشتر می‌شود» (همان: ۱/۴۰۱-۴۰۲). سرانجام قشر دیگر معالجه کنندگان را گروهی موسوم به کحالان می‌داند که «به مداوای چشم می‌پردازند و تعدادشان نسبتاً زیاد است» (همان: ۱/۴۰۴). افزون بر این گروه‌ها، ماماها یا



قابله‌ها نیز هستند که «به وضع حمل زنان کمک می‌کنند و نیز در مورد حاملگی زنان بی‌شوهر و بیوه‌زنان، حتی‌المقدور به نحوی بی‌ضرر کار سقط‌جنین را انجام می‌دهند» (همان: ۱/۴۰۵).

به نقل دکتر پولاک؛ در آن دوران از پزشکی قانونی و کالبد شکافی در ایران به‌هیچ وجه خبری نبوده و دستور قرآن کریم (مائده/۴۵) را در این باره مکفی می‌دانسته‌اند و برحسب آن حق‌الدیه و یا قصاص می‌گرفته‌اند (پولاک، ۱۳۶۸: ۱/۴۰۳).

۳-۲- بیماری‌های رایج و شایع

بیماری‌های شایع در ایران را که دکتر پولاک ذکر می‌کند از قرار زیر است:

۱- بیماری‌های پوستی که خود بر سه گونه‌اند:

الف. بیماری‌های پوستی زودگذر و آسان که شامل جوش‌ها و التهابات پوست، سرخچه کاذب و التهاب پوست که در فصل بهار زیاد می‌شود و دوام و اهمیت چندانی ندارد (همان: ۱/۴۶۴)؛ و نیز بیماری‌های چرکی پوست، دمل‌های سطحی، تاول و تب‌خال که اغلب بر اثر بروز تب ظاهر می‌شوند (همان: ۱/۴۶۶-۴۶۷).

ب. بیماری‌های سخت و شایع که گاهی جان افراد زیادی را می‌گیرند و عبارت‌اند از:

- آبله که بیش‌تر باعث مرگ بچه‌ها می‌شود (همان: ۱/۴۶۵).

- سرخک یا سرخچه که اغلب در زمستان شایع شده و تلفات می‌گیرد که اگر این بیماران را به حال خود می‌گذاشتند، بیماری جریان طبیعی خود را طی نموده و بهبود می‌یافت ولی با مداوای نابجا نظیر سوزاندن، مسهل و یا با تنقیه، آن‌ها را دچار اسهال‌های مزمن یا خونی نموده و موجب هلاک بچه‌ها را سبب می‌شوند (همان).

- بیماری مخملک که در کرمان و جنوب ایران رواج دارد و درجای دیگر شایع نیست (همان: ۱/۴۶۶).

- بیماری سالک که دو نوع مزمن و دو نوع حاد دارد؛ و دکتر پولاک آن را در شمار بیماری‌های پوستی شمرده است (همان، ص ۴۷۱)؛ بیشتر بچه‌های یک تا هفت‌ساله بدان دچار می‌گردند و جنس مؤنث استعداد بیشتری در ابتلا به آن دارد. بنابر گفته‌ی پولاک فقط نژاد سیاه‌بدان مطلقاً مبتلا نمی‌شود (همان: ۱/۴۶۷-۴۶۹).

- جذام و برص نیز از بیماری‌های پوستی رایج در ایران به‌ویژه بین مردم تبریز و قزوین است (همان: ۱/۴۷۴-۴۷۵).





ج. بیماری های پوستی که در اثر انگل ها به وجود می آیند مانند جرب و کچلی در کودکان. دکتر پولاک اظهار می دارد که این نوع بیماری در اروپا نیز رایج است.

۲- بیماری های داخلی که از مهم ترین آنها می توان «گلودرد که در ابتدای زمستان و به صورت همه گیر ظاهر می شود اما به ندرت به صورت خطرناک درمی آید» (همان: ۱/۴۷۷)؛ دانست. از دیگر این نوع بیماری ها «اسهال خونی که در اواخر مرداد تا اواخر آبان جنبه واگیر و خطرناک پیدا می کند و نوع حاد و بدخیم آن که معمولاً به مرگ منجر می شود بیشتر در سربازخانه ها و بین طبقات فقیر شیوع دارد» (همان: ۱/۴۷۸).

وبای اطفال یا هیضه که جان کودکان زیادی را در سال دوم و یا سوم زندگی آنان می ستاند (همان: ۱/۴۸۰). سیاه سرفه هم به دنبال سرخک به صورت همه گیر ظاهر می شود و به دلیل بدخیم بودن و گسترده گی، کودکان را به شدت نابود می کند. صرع و فلج اطفال و همچنین تب لرز که در برخی از اوقات جنبه همه گیر پیدا می کند و یکی از عوامل اصلی مرگ و میر کلی به شمار می رود؛ و حتی حصبه یا تیفوس که اغلب در زمستان به صورت همه گیر ظاهر می شود از شایع ترین بیماری های داخلی هستند که دکتر پولاک آن ها را ذکر کرده است (همان: ۱/۴۹۰-۵۰۰).

۳- «بیماری های چشم در بعضی ولایات مانند خوزستان، لار و در شهرهای متفرق مانند، قم، کاشان، اصفهان به نحو جالب توجهی، زیاد است. ... مهم ترین بیماری های چشم این ها هستند. کجی و برگشتگی مژگان و زیادی مژگان که هر دو اغلب به کوری منتهی می شوند» (همان: ۱/۵۰۲).

دکتر پولاک سطح روانی جامعه ایرانی را عالی توصیف نموده و می نویسد که: «بیماری های عصبی سهم عمده ای در بیماری های ایرانی ها ندارند. زیرا ایرانی اصولاً عصبانی مزاج نیست و طرز تربیت او حرص و جوش نخوردن و خونسردی در برابر آینده و خلاصه تمام طرز فکر و جهان نگری او، مانع می شود که به هیجان بیاید و اصولاً جوش و خروش اروپایی ها در نظر ایرانی ها کاری است بیهوده و نامفهوم. به زحمت می توان کشور دیگری را یافت که تعداد بیماران روانی آن چنین اندک باشد. ایرانی ها، اروپایی ها را به دلیل جوشی که می زنند و شکلک هایی که به هنگام بیان مطلب از خود درمی آورند «دیوانه» یا «سفیه» می خوانند. به زحمت می توان کشور دیگری را پیدا کرد که تعداد بیماران روانی در آن چنین اندک باشد مثلاً در تهران عدد آنان از هشت تا ده تن تجاوز نمی کند. در نتیجه هیچ احتیاجی به تأسیس تیمارستان در این دیار محسوس نیست» (همان: ۱/۴۸۸).



۳-۳- شیوه‌های درمان

دکتر پولاک ایرانی‌ها را سخت به تعالیم مربوط به عناصر اربعه و جلوه‌های آن یعنی گرم و سرد و مرطوب و خشک پایبند دانسته و بیان می‌دارد که: «ایرانی‌ها معتقدند که از آمیزش یکدست آن‌ها وضع طبیعی بدن و میزان اعتدال قوا پدید می‌آید... به گونه‌ای که وقتی بیماری به طبیب رجوع می‌کند خود قبلاً از نظر گرما یا رطوبت بیماری خود را تشخیص داده و فقط از وی تقاضای داروی مناسب را دارد» (همان: ۱/۴۲۲).

وی در مورد شیوه‌های درمان از سوی طبیب ایرانی می‌گوید: در تمام امراض، طبیب ایرانی معالجه را با دادن چند مسهل شروع می‌کنند، این داروها به عنوان مسهل به کار می‌روند: هلیله سیاه و زرد، سناء مکی، ریوند، تمرهندی، فلوس، حنظل، عصاره ریوند، صبر، روغن کرچک، شیرخشت و سولفات منیزی شروع می‌کند و حتی اسهال را با روغن کرچک معالجه می‌کنند. در سرزمینی که امراض معده و روده شیوع فراوان دارد این طرز معالجه دارای فوایدی است و موجه به شمار می‌رود (همان: ۱/۴۱۶).

برای معالجه‌ی همه‌ی سینه‌دردها، شیر تازه الاغ را به عنوان دارویی خاص استفاده می‌کنند. در مورد مبتلایان به امراض ریوی و تنگی نفس و یا ذات‌الریه، نیز همین شیوه‌ی معالجه در نظر گرفته می‌شود. برای درمان دردهای شکم، کبد، طحال و یبوست‌های مزمن و جوش‌های پوست، معالجه چهل‌روزه با شیر بز، تجویز می‌شود؛ و به آن قدری سکنجبین می‌افزایند (همان: ۱/۴۱۷-۴۱۸).

گرفتن نبض از شیوه‌های رایج معالجه در میان ایرانیان به شمار می‌رود. طبیب ایرانی از گرفتن نبض، متوجه خیلی چیزها می‌شود. مثلاً طبیعت بیماری، حاملگی زن‌ها و حتی جنسیت بچه‌ای را که در شکم است، تشخیص می‌دهد (همان: ۱/۴۲۵).

خون گرفتن که با استفاده از رگ زدن و یا حجامت و یا زالو انداختن توسط دلاک‌ها و یا جراحان صورت می‌گیرد و همچنین داغ کردن دو بازو به وسیله‌ی میله‌ای داغ و آهنی و یا داغ کردن دیگر قسمت‌های بدن نیز از راه‌های مقابله با بیماری است که در این سفرنامه بیان شده است (همان: ۱/۴۲۵).

در مورد تهیه‌ی دارو دکتر پولاک این گونه آورده است که: «ایرانی نسخه را از دکان‌های عطاری می‌خرد. عطار در جوار خوراکی نظیر قند، قهوه و ادویه، زهرهای مهلکی مانند آرسنیک، زنگ مس، تریاک و از این نوع را ذخیره دارد و درعین حال در تهیه بعضی از داروهای محلی نیز آگاهی دارد و هر کس که پولی به عطار بدهد، می‌تواند جنس دلخواه خود را تهیه کند. خوشبختانه طبیبان، اغلب داروهای گیاهی بی‌ضرر را تجویز می‌کنند» (همان: ۱/۴۱۱).





۴- اهمیت حکومت به بهداشت و درمان و آموزش طب

از آنچه در بخش بهداشت عمومی و نظیف اماکن عمومی گذشت؛ به خوبی روشن می شود که حکومت در باب بهداشت و درمان به شدت ضعف داشته است. چه آن که حتی در سیستم نظامی کشور که به گونه ای از مهم ترین ارکان حکومت به شمار می رفته است، نیز خبری از بهداشت و نظافت نبوده است. چنان که دکتر پولاک نیز متذکر شده است: «سرباز ایرانی نیرومند، خوش اندام و قانع است. سختی های فراوانی مانند تشنگی، گرسنگی، سرما، بی خوابی و پیاده روی های طولانی را تحمل می کند و شجاع است؛ اما این همه ویژگی های خوب نادیده گرفته می شود و سرباز را در بدترین وضع نگه می دارند. مقامات بالای ارتش، پیش خود حساب باز می کنند که سرباز حتی با علف می تواند خود را سیر کند و افسران هر اقدامی می کنند تا سربازان را به نابودی بکشانند. ... پولی را که باید صرف خوراک و پوشاک سربازان گردد، می دزدند و به همین دلیل بسیاری از سربازان نه پولی دارند و نه لباس مناسب و نه پالتوی گرم برای زمستان. ... از این رو بسیاری از این سربازان در زمستان هنگام راهپیمایی از بین می روند و این تیره روزها در اثر تب و ساده ترین انواع بیماری ها ممکن است که به مرگی دردناک دچار شوند و صاحبان مناصب پروای مداوای آن ها را ندارند. مریض خانه ندارند، طبیب ها یا بدنند و یا اصلاً طبیبی در کار نیست؛ تقریباً هر کس زخم بردارد مردنی است» (همان: ۴۰-۴۱).

از نکات حائز اهمیت در بیانات دکتر پولاک بیان این نکته است که: «در دوره های سابق و در سلسله های مغول و صفویه، نظارت پلیسی بر سلامت خواروبارفروشی ها و داروفروشی ها و عطاری ها و غذاخوری ها رواج داشت اما اینک آن کار را به عنوان امری بیهوده دور افکنده اند. حال در شهرهای ایران، شغال ها و سگ ها کار بهداشت را به عهده دارند و حیواناتی را که کشته و به خیابان افکنده اند تا صبح طوری می خورند که غیر از استخوان چیزی از آن ها بر جای نمی ماند» (همان: ۱/۴۰۴).

این نکته که دکتر پولاک در تشریح وضعیت تهران بیان نموده است و دوباره آن را یادآور شده است نشان می دهد که وضعیت بهداشتی در سطح خیابان ها و مجامع عمومی و نظارت بر آن ها به شدت ضعیف و یا بالاتر تعطیل بوده است و حکومت و دولت از این امر چشم پوشیده اند.

در باب آموزش طب نیز بایستی اذعان کرد که به استثنای دارالفنون، از آموزش و ترویج طب جدید به هیچ وجه خبری نبوده است و حکومت جز استخدام پزشک مخصوص شاه از کشورهای اروپائی، اهمیت چندانی برای آن قائل نبوده است. در همین راستا دکتر پولاک نوشته است: «از مدارس عمومی طب خبری نیست مگر مدرسه ای که تازه



تأسیس شده است» (همان: ۱/۳۹۷) ناگفته نماند که امروزه به برکت جمهوری اسلامی ایران به لحاظ پزشکی در رتبه بیستم جهان قرار دارد. (ر.ک: <http://society/health/257986/www.khabaronline.ir/detail>) که خود نقطه عطفی در شکوه و عزت این مرزوبوم است که همه‌روزه بر پیشرفت آن افزوده می‌شود. البته نباید فراموش کرد که ایران سابقه تمدنی و جهانی در زمینه‌ی طب دارد و به‌ویژه در روزگار ساسانیان جندی‌شاپور مهد پزشکی بود. افزون بر این‌ها در دوران تمدن اسلامی نیز، جهان شاهد پزشکان حاذق ایرانی همچون ابن ماسویه، بوعلی سینا که کتاب قانون وی هزار سال در اروپا تدریس شده است و یا داروساز بزرگی همچون زکریای رازی (کاشف‌الکل) بوده است. (اشپولر، ۱۳۷۳: ۲/۸؛ بینش، ۱۳۸۷: ۸۴؛ نصر، ۱۳۸۴: ۲۰۰-۲۰۱؛ دمیرچی، ۱۳۸۹: ۷۹؛ اسلامی فرد، ۱۳۸۹: ۶۷؛ جان احمدی، ۱۳۸۶: ۱/۲۲۳-۲۲۴).

شاید بتوان ضعف حکومتی و سیاسی و استعمار کشور توسط بیگانگان در زمان قاجاریه را مهم‌ترین دلیل ضعف و افول علم طب در ایران دوران قاجار قلمداد نمود.

نتیجه‌گیری

با توجه به نگاشته‌های دکتر پولاک در این سفرنامه برمی‌آید، ایرانیان در حوزه بهداشت فردی و نظافت بدن بسیار کوشا هستند و توجه جدی به سلامتی و رعایت بهداشت دارند. حمام کردن و حنا کردن موها و نبض گرفتن و اموری مانند حجامت و... از سوی آنان، نشان از توجه جدی آن‌ها به بهداشت فردی و پاکیزگی است. البته آموزه‌های اسلامی نقش فراوانی در این میان ایفاء نموده است.

بر پایه‌ی نوشته‌های دکتر پولاک، ایران به لحاظ بهداشت عمومی و نظافت اماکن عمومی در دوره‌ی قاجار به کلی دچار انحطاط شده و نه حکومت و نه مردم توجهی بدین امر نداشته‌اند. به گونه‌ای که خیابان‌ها و معابر و کوچه‌ها انباشته از زباله می‌شدند و بوی تعفن آن‌ها شهر را نامطبوع می‌کرده و راه گریز از این امر را کوچ تابستانی به ییلاق فرض کرده‌اند؛ هرچند فقط به تمیزی بازارها و حمام‌ها اهمیت می‌داده‌اند.

طب و معالجات پزشکی در دوران قاجار بر پایه‌ی طب قدیم می‌چرخیده است و خبری از طب جدید نبوده است. غیر از طبیب‌های سنتی که معلوماتشان در حد شناختن برخی گیاهان داروئی بوده؛ جراحان و دلاکان و شکسته‌بندها نیز که اغلب بی‌سواد بوده‌اند، کار درمان مردم را به عهده داشته‌اند.

بیماری‌های پوستی مانند آبله، سرخک یا سرخجه، مخملک در کرمان و جنوب کشور، دمل‌های سطحی، تاول و تب‌خال و همچنین بیماری‌های داخلی مانند گلودرد، اسهال



خونی، وبای اطفال یا هیضه. سیاه سرفه، تب لرز، حصبه یا تیفوس در این دوران بیداد کرده و جان افراد زیادی را به خطر می افکنده است.

درمان بیماری ها با طب سنتی که غالباً با مسهل، گرفتن نبض، رگ زدن حجامت، زالو انداختن و داغ کردن دو بازو و یا عضوی که درد می کرده صورت می گرفته است که از یک سوی اهتمام و دقت شدید مردم را در مراجعه به دین و از سوی دیگر نشان از رواج طب سنتی مبتنی بر آموزه های طب قدیم دارد و گویا اصلاً خبری از طب جدید و سوزنی نیست. حکومت و دولت مردان در این دوران جز اهمیت به مداوا و درمان و بهداشت در مورد خویشتن، هیچ به فکر رعیت نبوده و از این روی نه خبری از تمیزی و بهداشت اماکن عمومی هست و نه نظارتی بر بهداشت خواروبارفروشی ها و دیگر اماکن عمومی.

آموزش طب جدید منحصر به دارالفنون و استخدام چند پزشک خارجی بوده است. درحالی که انواع بیماری های گوناگون در کشور شیوع داشته و حتی در ارتش که سیستم دفاعی کشور بوده است، طبیب به اندازه ی کافی نبوده و تازه آن ها نیز در کار خویش ماهر نبوده اند؛ اما با این همه شخص شاه و دربار، پزشک خاص از اروپا داشته اند که در حضر و سفر از آن ها مراقبت کند.

منابع

* قرآن کریم.

- ۱- اسلامی فرد، زهرا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹.
- ۲- اشپولر، برتولد، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه مریم میر احمدی، چاپ چهارم، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۳- بینش، عبدالحسین، آشنایی با تاریخ تمدن اسلامی، چاپ اول، تهران، اداره عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۷.
- ۴- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ چهارم، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۲.
- ۵- پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاک ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۸.
- ۶- جان احمدی، فاطمه، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف - نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، ۱۳۸۶.
- ۷- خورموجی، محمدجعفر بن محمدعلی، تاریخ قاجار: حقایق الاخبار ناصری، چاپ اول، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۴۴.



۸- دمیرچی، شهاب‌الدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام (ویژه علوم پزشکی)، چاپ اول، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۹.

۹- هدایتی، سید جواد، تاریخ پزشکی معاصر ایران از تأسیس دارالفنون تا انقلاب اسلامی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۸۱.

۱۰- مستغفری، جعفر بن محمد، طب‌النبی و طب‌الصادق علیهماالسلام روش تندرستی در اسلام، ترجمه یعقوب مراغی و محمد خلیلی، چاپ سوم، قم، مؤمنین، ۱۳۸۱.

۱۱- نصر، سید حسین، علم و تمدن در اسلام، ترجمه احمد آرام، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.

۱۲- ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، زندگی‌نامه دکتر پولاک، [<http://wikipedia.org/wiki/>]
[polak-Edvard-jakobe]

۱۳- سایت خبر آنلایین، [<http://www.khabaronline.ir/detail/257986/>]
[society/health]



Health and treatment in Pollock's travelogue

Mohammad Javadan¹

Abstract

The book «Polak's Travel» has provided a lot of information about health and treatment during the Qajar period, which has two special features, the author is a doctor and extensive information in the field of health and treatment.

But nevertheless; The dispersion and breadth of information related to health and treatment in this book, on the one hand, and the lack of categorization of this information, on the other hand, prompted us to summarize, categorize and organize the information related to health and treatment in this book in four sections: Personal health, public health and cleaning of public places, the state of medicine and treatment and the importance of government to health and treatment and medical education; Presented.

Keywords: Polak, health, treatment, medicine, treatment.

1. Master's Degree in Islamic Studies, Department of Islamic History and Civilization, University of Islamic Studies, Qom, Iran.
E-mail: javadanm@yahoo.com